

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۰ سپتمبر ۲۰۱۸

یادداشتی بر کتاب «انقلاب روژآوا»

انقلاب روژآوا، به ناگاه در سال ۲۰۰۲، همچون نوری در تاریکی و ظلمت درخشید و در مقابل حملات بی‌وقفه شب‌پرستان، سیاه‌پوشان، تاریک‌اندیشان و جنگ‌طلبان وابسته به سیستم سرمایه‌داری، همچنان با سرافرازی و استواری ایستاده است!



رونمایی کتاب "انقلاب روژآوا"

با حضور یکی از نویسندگان کتاب "ارجان آیو بوگا" و همکاری دکتر هاشم احمدزاده

پاسخ سئوال‌ها در مورد سیستم شورایی در روژآوا و نقش زنان در آن.

زمان: ۲۱ سپتامبر ساعت ۱۸،۰۰ تا ۲۱،۰۰

مکان: ABF مرکزی Hedensalen, plan 4

برگزار کنندگان: انتشارات "ارزان" و پلتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران

Book Lunch:
Revolution in Rojawa

Presentation by one of the authors, Ercan Ayborg

Moderator:
Dr. Hashem Ahmadzadeh

سال‌هاست که نعره‌های تروریسم دولتی و غیردولتی در جهان طنین‌انداز شده است. هرچند تروریسم یک پدیده جدیدی نیست اما امروز گروهی از تروریست‌های اسلامی مانند «دولت اسلامی» (داعش) از هر ابزاری و امکانی برای کشتن انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاع در سراسر جهان استفاده می‌کنند. داعش که روزگاری مورد حمایت کشورهای عضو ناتو و در راس همه آمریکا و ترکیه و عربستان سعودی بود، توانست بخش‌های قابل توجهی از سوریه و عراق را به اشغال خود درآورده و خلافت اسلامی اعلام کند. اما تنها در روژآواست که پیکر هیولای داعش به زمین افتاده است و پیکارگران راه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی، صلح و دموکراسی در مقابل همه نیروهای مرتجع منطقه، با جان و دل و جسارتی فوق‌العاده و بی‌نظیر از خانه و کاشانه، مردم و قوانین انسانی خود دفاع می‌کنند و در همان حال، همواره نوید صلح، دوستی، آزادی و برابری سر می‌دهند.

اگر امروز آمریکا در آزادی رقه (پایتخت داعش)، از نیروهای سوریه دموکراتیک و یگان‌های خلق روژآوا، با نیروی هوایی اقدام می‌کند، عملاً در جهت اهداف نظامی، سیاسی و اقتصادی خود حرکت کرده و هرگز دلش به حال مردم روژآوا و سوریه و نقاط دیگر جهان نمی‌سوزد. اما اکنون فضائی در این منطقه به وجود آمده است که آمریکا اجباراً و

در راستای منافع خود دست به این اقدام زده است. اما شاید این مسأله، فردا برای اهداف سیاسی روزآوا، مشکل‌ساز باشد. به‌همین دلیل، رهبران و فعالین روزآوا به‌این امر واقفند و آن‌ها هم در راستای منافع مردم روزآوا و نابودی داعش این همکاری موقت را پذیرفته‌اند و به‌لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی راه خود را ادامه می‌دهند.

کتابی را که در پیش رو دارید بنا به‌اظهات نویسندگان آن: «در ماه می سال ۲۰۱۴، ما با هدف کسب آگاهی مستقیم و بلاواسطه از این‌که مردم شمال سوریه چگونه آلت‌رناتیو راه سوم را کسب کرده‌اند، به روزآوا مسافرت کردند. خود می‌گویند: ما می‌خواستیم بدانیم آن‌ها چگونه روزآوا را آزاد کرده و نیروی دفاع از خودشان را تشکیل دادند. ما می‌خواستیم بدانیم آن‌ها چگونه جامعه‌ای بر پایه دموکراسی مستقیم برپا کرده و به‌چه ترتیب فرایند تصمیم‌گیری از طریق شوراهای مردمی عملی می‌شود. ما همچنین می‌خواستیم بدانیم چگونه با وجود تحریم‌های اقتصادی از طرف ترکیه و حکومت اقلیم کردستان آن‌جا به رهبری حزب دموکرات کردستان عراق و به ریاست مسعود بارزانی، اقتصاد کمونی سازمان‌دهی می‌شود. و به‌ویژه می‌خواستیم در ارتباط با نقش بسیار مهم زنان در انقلاب روزآوا اطلاعات معتبر و موثقی به دست آوریم.

ما سه نفر ما سال‌ها حول مسأله کرد در آلمان فعال بودیم. اما، از شوق این فرصت که به روزآوا خواهیم رفت هیچ امری ما را این چنین به شوق و شغف نیانداخته بود. ما به دعوت از طرف کمپین تورت کردستان، اول به سلیمانیه رفتیم، سپس از راه موصل (کمی قبل از آن‌که داعش آن‌جا را تسخیر کند) به تیل کوچر (ال یاروبیا) رسیدیم. در آن‌جا از مرز گذشته و وارد شهر جزیره، در شرقی‌ترین بخش روزآوا شدیم. در خلال چهار هفته اقامت‌مان از تمام نواحی جزیره و همچنین حسکه و سرکانی دیدن کردیم. (دو نفر از ما، در دیدار بعد، در اوائل سال ۲۰۱۶ به کوبانی رفتند.) ما در مسافرت نخستین حدودا با ۱۲۰ نفر (و در مسافرت دوم با ۳۰ نفر دیگر) مصاحبه کردیم و در بی‌شماری از گفتگوها و جلسات شرکت کردیم. ما با آزادی کامل همه جا رفتیم، هیچ دری به‌رو می‌بسته نبود، همچنین در خانه‌های فعالین و شهروندان خوابیدیم، محرم موضوعات مشکل و همچنین شاهد انتقادات خود فعالین بودیم، چیزهایی که هرگز از دیگر روزنامه‌نگاران و ناظران نمی‌شنوید. ما از همه کسانی که تمام امکانات را برای بازدید از خودمدیریتی دموکراتیک فراهم کردند، و نیز از تمام فعالین و مبارزان راه آزادی در میدان‌های جنگ، به‌ویژه زنان مبارز و هسته‌های انقلاب، تشکر می‌کنیم.»

کتابی که نویسندگان آن مشاهدات عینی خود را در باره فضای سیاسی روزآوا تدوین کرده‌اند، کتابی ارزنده و آموزنده برای هر فعال سیاسی برابری‌طلب و عدالت‌جو و سوسیالیست است. آن‌ها در ماه می سال ۲۰۱۴، و همچنین اوایل سال ۲۰۱۶ به این منطقه سفر کردند. آن‌ها نوشته‌اند: «هر کدام از ما دارای پیش زمینه‌ها و علایق متفاوتی هستیم، ولی هموند با فمینیسم، انترناسیونالیست، طرفدار حفظ محیط زیست و جانب‌دار گرایش چپ و آزادی‌های فردی هستیم. ما در خصوص همبستگی با انقلاب روزآوا دیدگاهی باز و روشن داریم، اما همبستگی ما، مانع از آن نیست که مشکلات و مسایل را نادیده بگیریم.»

«مدت زمانی را که ما با فعالین زن و مبارزان در روزآوا سپری کردیم، به‌ما نشان داد که رویدادهای ژوئیه ۲۰۱۲، بدون شک یک انقلاب بوده است. فعالین جنبش اجتماعی روزآوا با صبر و حوصله تمام مردم جامعه را تشویق و ترغیب می‌کردند که داوطلبانه در فرایند تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند، این رویکردی نادر در اصل تعهد به انقلاب است. هزاران هزار داوطلب دست به‌تلاش بزرگی زده‌اند تا جامعه‌ای خارج از دولت-ملت برپاکنند، و با وجود جنگ و تحریم اقتصادی، مردم عاقلانه بر پایه عدالت اجتماعی یک نظام دموکراتیک را شکل داده و یک جامعه اقتصاد کمونی را بنیان نهند.

فعالین روزآوا تاریخ انقلابات گذشته را مطالعه کرده و از نخستین قدم مصمم و متعهد شده‌اند که به پی‌آمدهای سیستم سلسله مراتب و قدرت‌طلبی دچار نشوند.

راه سوم روزآوا شاید تنها راه حل جلوگیری از قتل‌عام‌ها، جنگ‌های بی‌شمار و آواره شدن توده‌های مردم در سراسر خاورمیانه باشد. در ضمن، روزآوا نور امیدی است برای تمام کسانی که علیه سرکوب، استثمار و کسب آزادی، برابری و یک زندگی نوین مقاومت می‌کنند. کردستان شمالی و ترکیه شاید منطقه بعدی باشد که این امید می‌تواند به آنجا تسری کند- ولی اردوغان می‌گوید چنین اتفاقی روی نمی‌دهد! رخدادهای سیاسی روزآوا / سوریه و کردستان شمالی / ترکیه به‌همان اندازه به‌همدیگر گره خورده‌اند، که دفاع از کوبانی در پائیز ۲۰۱۴. اکنون نیز همچنان رویدادهای سیاسی دو سوی مرز با همدیگر تنگاتنگ پیوند دارند...»

در جایی در این کتاب، درباره تحرک آمریکا در روزآوا می‌خوانیم: «پشتیبانی نظامی ایالات متحده از این حقیقت ناشی می‌شود که داعش تهدیدی برای جهان شده است. در حالی که ترکیه و عربستان سعودی داعش را به جلو هل می‌دادند، آمریکا سکوت کرد، و ساده‌لوحانه خواهد بود که تصور کنیم آمریکا تهدید آینده داعش را پیش‌بینی نکرده بود. در تابستان ۲۰۱۴، نظرات تغییر کرد: «باید جلو داعش را گرفت.»

یک قدرت سیاسی سلطه‌گر همانند آمریکا فکر می‌کند که اگر نمی‌تواند یک نیروی بدیل را به حاشیه رانده یا انگ تروریستی زده و یا از بین ببرد، در آن صورت همکاری با این نیرو در سطح معینی و یا در زمان تعیین‌کننده‌ای ممکن است به سودش باشد، که این نیرو را به‌خود وابسته کرده و محتوای رهائی‌بخش و انقلابی آنرا تغییر دهد. ما بسیاری از فعالان روزآوا را ملاقات کردیم که به این خطر آگاهی داشتند و اظهار کردند که آن‌ها موضع مستقل‌شان را با موفقیت حفظ خواهند کرد.

یکی از اعضای جنبش برای جامعه دموکراتیک (ج‌ب‌د)، آدرخلیل، در رابطه با موفقیت انقلاب، می‌گوید: روزآوا نباید به نیروهای خارجی وابسته شود، بلکه باید همچنان ریشه‌هایش در درون مردم باقی بماند. آدرخلیل در ادامه سخنانش می‌گوید: رژیم اسد، اپوزیسیون و همچنین قدرت‌های بین‌المللی ممکن است، وقتی منافع‌شان با اهداف شما در یک راستاست، از شما حمایت می‌کنند، ولی، وقتی که موازنه قدرت تغییر کرد، نظر و موضع‌شان را تغییر خواهند داد. از این‌رو، ما تنها به حمایت مردم متکی هستیم. با مردم و نیروی مردم ما آینده خودمان را بنا خواهیم کرد.»

بدین ترتیب، وقتی که در سال ۲۰۱۱، جنبش آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی در شمال آفریقا آغاز شد و راهش را از تونس به‌سوی مصر، الجرایر، اردن، لیبی و سایر کشورهای عربی گشود؛ این جنبش‌های اعتراضی مردمی با شعارهایی چون پایان‌دادن به‌نظام‌های دیکتاتوری، برقراری دموکراسی، برچیدن ستم و بهره‌کشی، به‌رسیمت شناختن آزادی عقیده و بیان و آزادی تشکل و فعالیت‌های سیاسی و ده‌ها خواست دیگر توانست میلیون‌ها انسان را در کشورهای عربی بسیج کند و به‌خیابان‌ها بیاورد؛ سوریه نیز از این وقایع مستثنی نبود. این جنبش تمام جهان سرمایه‌داری را به لرزه درآورده بود. اما متأسفانه غیر از روزآوا، این جنبش در دیگر کشورهای عربی و آفریقائی شکست خورد و به‌اهداف نهائی خود نرسید.

در چنین روندی، روزآوا که از سال ۲۰۱۲ با خودمدیریتی دموکراتیک توسط شوراها و نهادهای مردمی رهبری می‌شود؛ منطقه مهم استراتژیک در شمال سوریه، در غرب کردستان عراق و جنوب مناطق کردنشین ترکیه است با مساحت ۲۴ هزار کیلومتر مربع و دارای ثروت‌های سرشار زیرزمینی گاز و نفت و زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی و باغ‌های زیتون و با جمعیتی بیش از سه میلیون و صدها هزار پناهنده که از مناطق مختلف سوریه خود را به این منطقه امن رسانده‌اند.

بیکارگران روزآوا در جولای ۲۰۱۳، پیشنهاد خودمدیریتی دموکراتیک در چارچوب سوریه را ارائه نموده؛ و از نوامبر همان سال با اعلام رسمی خودمدیریتی دموکراتیک اداره جامعه را به دست گرفته‌اند. سرانجام با تصویب «قرارداد اجتماعی» در سال ۲۰۱۴؛ کانتون عفرین، کوبانی و جزیره، ساختارهای اداری خود را با اتکا به نیروهای مردمی با تکیه بر دموکراسی مستقیم و از پائین‌ترین رده‌ها ایجاد نمودند. مهم‌ترین شهرهای روزآوا قامشلی (مرکز اداره خودمدیریت دموکراتیک)، حسکه، دیرک، سریکانی، کوبانی و عفرین هستند.

بدین ترتیب، قهرمانان زن و مرد، پیر و جوان روزآوا، عزم کرده‌اند تا جهان نوینی بسازند و برای دگرگونی وضع موجود، یکی از پویاترین و گران‌بهاترین تجارب آزادی را رقم بزنند و مدل جدیدی از اداره جامعه بشری را با اتکا به اتحاد و همبستگی انسانی در مقابل همگان قرار دهند.

مدل نوین روزآوا، بر پایه چندین ستون محکم و استوار بنا شده است: اول مردود دانستن ساختار و فلسفه «ملت - دولت». چرا که هر دوی این‌ها ابزارهای مهم و اصلی تبعیض و نابرابری، سرکوب و سانسور، زندان و شکنجه و اعدام، جنگ و ترور، آپارتاید جنسی و استثمار انسان از انسان هستند؛ دوم اتکا مستقیم به نیروی خود مردم روزآوا؛ و دموکراسی مستقیم با روابط و مناسبات شورائی؛ بر اساس سیستم کمونی که در آن شهروندان فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت محلی و شهری و سراسری مشارکت دارند؛ سوم دفاع عمومی؛ چهارم توجه ویژه به محیط زیست؛ و پنجم عدم تکیه نه به اقتصاد سرمایه‌داری و نه به اقتصاد سرمایه‌داری خصوصی و تأکید بر اقتصاد مشارکتی؛ ششم دیپلوماسی علنی؛ و... از همین‌روست که در روزآوا گرایش‌های مختلف ملی و مذهبی که در این منطقه زندگی می‌کنند، همگی نقش مشارکتی بی‌سابقه‌ای را در مدیریت و اداره جامعه خود دارند. همین اتحاد و همبستگی انسانی موجب ایستادگی این منطقه در برابر وحشی‌گری‌های حکومت اسد و حامیانش، گروه‌های مخالف اسد و حامیانش و داعش شده؛ آن هم بدون پشتوانه و حمایت جدی از سوی جامعه جهانی!

هنوز هم روزآوا در محاصره دولت اقلیم کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی، دولت ترکیه، داعش و دیگر گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه و همچنین نیروهای دولت مرکزی سوریه قرار دارد. دولت ترکیه حتی به یک دستگاه آمبولانس که سال گذشته به‌عنوان کمک حامیان روزآوا از سوئد به کوبانی فرستاده شده اجازه ورود نداده و هنوز هم در پشت مرز مانده است. در حالی که نیروهای داعش، به راحتی و حتی با کمک نیروهای نظامی - امنیتی ترکیه، از مرزهای این کشور رفت‌وآمد می‌کنند.

اصول دموکراسی مستقیم از پائین و خودمدیریتی دموکراتیک مستقل در روزآوا، مبتنی بر «قرارداد اجتماعی» و معادل یک قانون اساسی است که کارها و سازمان‌دهی سیستم سیاسی را هدایت می‌کند. مبنای اصلی این «قرارداد اجتماعی»، برابری و حقوق یکسان برای همه شهروندان روزآوا و رد مفهوم «دولت - ملت» است. در اولین پاراگراف مقدمه این «قرارداد اجتماعی» آمده است: «ما، مردم منطقه خودگردان دموکراتیک، کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، ترکمن، ارمنه و چینی‌ها با اراده کاملاً آزاد به آگاهی می‌رسانیم که عدالت، آزادی، دموکراسی و حقوق زنان و کودکان را تأمین می‌کنیم». در ادامه این «قرارداد اجتماعی» آمده: «نظام دموکراتیک مناطق خودمدیریت مفهوم دولت - ملت و دولت‌هایی مبتنی بر نیروی نظامی، مذهبی و مرکزگرایی را به رسمیت نمی‌شناسد.»

اکنون پس از گذشت بیش از پنج سال از عمر این نمونه خودگردان و نوپا، اگر از جنبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به روزآوا نگاه کنیم به‌سادگی تفاوت‌های طبقاتی و جهت‌گیری‌های آن را با نقاط دیگر سوریه و کشورهای منطقه و جهان خواهیم دید. به عبارت دیگر، از هر سو که به جامعه کنونی روزآوا بنگریم یک همبستگی با شکوه

انسانی و مساوات‌طلبانه و رشک برانگیزی را می‌بینیم که بدون توجه به‌ملیت، جنسیت، مذهب و گرایش‌های سیاسی بنیان نهاده شده است.

در عین حال، بیانیه تأسیس سیستم خودمدیریت روزآوا، در ماه مارس ۲۰۱۶، به‌عنوان یک آلت‌رناتیو «راه سوم» تصویب شد تسلط حکومت سوریه و نیروهای فاشیستی و اسلامی و حامیان منطقه‌ای و جهانی آن‌ها را از میان برد. فدراسیون، مناطق جدید آزاد شده از داعش را با سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین متحد و همپسته کرد و افق و چشم‌انداز سوریه دموکراتیک را در چشم‌انداز برنامه‌های خود قرار داد. اما با وجود این، قدرت‌های ارتجاعی، به رهبری حکومت ترکیه در پی نابودی روزآوا هستند. اما هرچند که آینده روزآوا برای ما، با بیم و امیدهای همراه است اما این منطقه تاکنون دستاوردها و تجارب فراوانی را در مقابل نیروهای رزمنده و انقلابی و به‌طور کلی همه نیروهای ضدسرمایه‌داری، یعنی از جنبش کارگری گرفته تا جنبش زنان، از جنبش دانشجویی گرفته تا تشکلهای دموکراتیک نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران، از کمونیست‌ها گرفته تا آنارشیست‌ها، از طرفداران جنبش شورائی گرفته تا سندیکائی، از فعالین لغو آپارتاید جنسی گرفته تا اعمال سانسور، از فمینیست‌ها گرفته تا دگر‌باشان، از فعالین لغو اعدام گرفته تا همه قوانین تبعض‌آمیز و ضدانسانی، از فعالین کار کودک و مهاجرین و پناهندگان گرفته تا طرفداران آزادی زبان‌های مادری و محیط زیست و... به‌دست آورده است؛ به‌طوری که این دستاوردها و تجارب گران‌بها می‌توانند برای هر کدام از کشورهای منطقه و یا جهان مناسب و کارساز و راهگشا باشند؛ بدون این که هدف آن‌ها عینا کپی‌برداری از روزآوا باشد. چرا که هر کشوری ویژگی‌های خاص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را دارد.

برای مثال، برای کشوری همچون ایران، مبارزه سیاسی - طبقاتی و صف‌بندی نیروهای کار و سرمایه و به‌طور کلی نیروهای ضدسرمایه‌داری و ضدتبعیض و استثمار شفاف‌تر و ملموس‌تر است و نباید در این صف‌بندی‌های طبقاتی توهم پوپولیستی «همه با هم» دوران انقلاب ۱۳۵۷ را به‌وجود آورد.

اما نهایتاً می‌توان تأکید کرد که تاریخ مردم منطقه خاورمیانه، به‌ویژه مردم کرد، تاریخ مبارزه سخت، دردناک و طاقت‌فرسا است. اما در عین حال، تاریخ بده و بستان‌های نهان و آشکار و سازشکاری‌های رهبران مختلف احزاب و سازمان‌های کرد و البته غیرکرد هم هست. برخی از آن‌ها، به‌خاطر منافع شخصی و فرقه‌ای‌شان با دولت‌های جهانی و منطقه‌ای هم‌پیمان و هم‌جهت شده‌اند. حتی برخی مواقع رهبری ناسیونالیستی احزاب کردی، در مماشات و سازش با حاکمان، حتی طرفداران خود را هم قربانی کرده است. اساساً یکی از ویژگی‌های گرایش‌های ناسیونالیستی و لیبرالی در سطح منطقه خاورمیانه و جهان، مماشات با دولت‌ها و نیروهای بورژوازی است. کافی‌ست که به عملکردها و سرنوشت رهبران احزاب ناسیونالیستی از جمله ناسیونالیست‌های کرد در منطقه و ملموس‌تر در اقلیم کردستان عراق نگاه کنیم؛ به‌سادگی ماهیت سازشکارانه و سرکوبگرانه آن‌ها را می‌بینیم.

حقیقتاً در جهان امروز، بیش از هر زمانی دیگری از تاریخ، ملت‌گرایی و دولت‌گرایی، جوامع بشری را به‌سوی تنش‌ها و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای می‌کشاند و به‌رشد و گسترش گرایش‌های خطرناک فاشیستی و میلیتاریستی و مذهبی و جنگ‌طلبی و خشونت‌طلبی و تروریسم دولتی و غیردولتی سوق می‌دهد. وضعیت دردناکی که هر روزه در همه نقاط جهان، به‌ویژه در خاورمیانه شاهد آنیم. از این‌رو، گرایش‌های ناسیونالیستی، مذهبی، لیبرالیستی و نگرش دولت و ملت «خودی»، که بین انسان‌ها تفرقه می‌اندازند، ضروری‌ست که همواره از سوی نیروهای برابری‌طلب و انسان‌دوست و آزاده مورد نقد و رد قرار گیرند.

بدون شک، در اهداف و سیاست‌های روزآوا نیز نگرانی‌ها و کمبودها و اشکالات عدیده‌ای وجود دارند که قابل نقد هستند. اما نقد، زمانی می‌تواند مؤثر واقع گردد که در فضائی دوستانه و صادقانه و البته با هدف تقویت آن جریان معین

صورت گیرد نه نفی آن. از این رو، روشن است که از منظر نقد طبقاتی، به ویژه از جنبه سازمان‌دهی اقتصادی کلان می‌توان نقدهایی به خودمدیریتی دموکراتیک روژآوا داشت؛ اما به نظر من، این نقدها، نباید به عدم نزدیکی و یا همکاری متقابل با آن‌ها منجر شود و یا تلاش در جهت به وجود آوردن این مدل در جامعه ایران و البته با ویژگی‌های خاص آن، مورد تعلل و محافظه‌کاری قرار گیرد. مسلماً چه روژآوا پیروز گردد و چه مانند انقلاب ۵۷ ایران و حتی انقلاب عظیم و تاریخی کمون پاریس، به کلی شکست بخورد و یا مانند اکتبر ۱۹۱۷ روسیه از مسیر سوسیالیسم علمی منحرف گردد، باز هم تجارب روژآوا، برای ما ستم‌دیدگان، محرومان، آزادی‌خواهان، برابری‌طلبان، عدالت‌جویان و انقلابیون راه آزادی و سوسیالیسم، چراغ راهنمایی مفید، راه‌گشا و ارزشمند است!

در روژآوا کلیه عرصه‌های مدیریت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نه در دست دولت و حزب، بلکه در کنترل شوراهای مردمی و کمیته‌های کارگری و غیره است و همه برای یک جامعه دموکراتیک و آزاد و برابری‌طلب فعالیت می‌کنند؛ بدون این که کم‌ترین چشم‌داشت پست و مقام و منصب و انگیزه ثروت‌اندوزی داشته باشند. راه‌های رفع نیازمندی‌های مردم از تولید مواد غذایی، پوشاک، سوخت و انرژی گرفته تا امور قضائی و حقوقی، آموزشی و بهداشتی و درمانی و غیره توسط این ارگان‌های مردمی سازمان‌دهی می‌شوند. در بخش زراعت و صنایع کوچک سیستم کوپراتیفی در حال گسترش بوده و شمار بیش‌تر کشاورزان دست به ایجاد کوپراتیف‌های تولیدی و مواد غذایی می‌زنند. در بخش‌های دفاعی نیز واحدهای دفاعی مردمی که در آن کردها، عرب‌ها، آسوری‌ها، چچن‌ها، ترکمن‌ها، ارمنی‌ها و... حضور فعال و برابری دارند دوش‌به‌دوش همدیگر از خانه و کاشانه و حقوق و اهداف و آمال و آرزوهای انسانی و سیاسی و اجتماعی خود دفاع می‌کنند. همه مسؤولان و مقامات این منطقه مستقیماً از سوی نهادهای مردمی انتخاب می‌شوند و همه حق رای دادن و کاندید شدن آزادانه دارند.

کوپراتیف مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها و انجمن‌های اجتماعی است که بر بنیاد تقویت اقتصادی بنا شده است. این نهادها روی علایق مشترک، اهداف مشترک، سهم‌گیری مشترک و ضرورت مشترک استوار هستند. هدف نهائی مشترکین کوپراتیف، رسیدن به یک وضع اقتصادی بهتر که متکی بر دموکراسی مستقیم و سهم‌گیری برابر در تأمین سرمایه مورد نیاز و متقبل شدن نفع و ضرر مشترک است. این نوع سازمان‌دهی اقتصادی، اغلب شامل سرمایه‌گذاری‌های محدود و کوچک است.

در واقع مدل خودمدیریتی دموکراتیک در شمال سوریه، که در شرایط بسیار پیچیده و دشوار جنگی اجرا می‌شود؛ در حال نوسازی و گسترش بوده و بی‌تردید کمبودها و کاستی‌هایی نیز دارد که در عمل آن با حضور فعال مردم و هم‌فکری جمعی گام‌به‌گام رفع می‌گردد. مردم با مشکلات زیادی روبرو هستند. جنگ و انواع و اقسام توطئه‌های دولت‌های ارتجاعی منطقه و گروه‌های تروریستی درگیر در جنگ داخلی سوریه و حکومت آدمکش بشار اسد با حامیانش، همواره زیست و زندگی مردم روژآوا را تهدید می‌کنند. بسیاری از دهکده‌ها و برخی شهرها توسط تروریست‌های خلافت اسلامی (داعش) و گروه‌های مختلف جهادگر و تهدیدات حکومت مرکزی سوریه و بمباران‌های حکومت ترکیه و...، به شدت آسیب دیده‌اند.

اما پیکارگران زن و مرد روژآوا، با شور و شوق در تلاشند تا راه سخت و دشوار خود را به سوی افق‌های روشن و شایسته ارزش‌های انسانی به‌پیمایند و در این راه، بهای سنگین آن را آگاهانه و آزادانه و فداکارانه بپردازند و در عین حال هراسی به خود راه ندهند. بنابراین، بی‌جهت نیست که نام پرافتخار «کوبانی»، به‌خاطر شجاعت و قهرمانی‌ها و جان‌فشانی‌های تحسین برانگیز یگان‌های خلق زنان و مردان و حامیان بین‌المللی آن‌ها، که به مدت چهار ماه در محاصره گروه اسلامی تروریستی «دولت اسلامی» یا همان (داعش) بوده به‌تاریخ پیوسته و آوازه جهانی پیدا کرده است. داعش

که پیشروی‌های سریع در عراق و سوریه داشت، تنها جایی که تا آن زمان شکست سختی خورد در همین کوبانی بود. در حقیقت توقف داعش پشت سنگرهای کوبانی، و مقاومت تحسین برانگیز زنان و مردان قهرمان کوبانی، توجه افکار عمومی جهانی را در رابطه با انقلاب روژآوا برانگیخت. نام پیکارگران و جانباختگان و نام کوبانی برای همیشه در تاریخ ثبت شد!

واقعیت جنگ خانمان‌سوز داخلی سوریه، موضوع دخالت حکومت‌های خارجی، محاصره اقتصادی روژآوا، تأمین نیازهای روزانه و ضروری مردم، آموزش و بهداشت کودکان، بازنشستگان، رسیدگی به آسیب‌دیدگان جنگ و مسأله پناهندگان و معلولین جنگی و غیره، از مسائلی هستند که گاهی بزرگترین و ثروتمندترین حکومت‌های جهان، از عهده حل آن بر نیامده‌اند. از این‌رو، باید این شرایط را به درستی درک کرد!

این مسأله باعث شد که توجه افکار عمومی جهان، به‌ویژه نیروهای سکولار و چپ و کمونیست به روژآوا مطعوف گردد. هر چند که هنوز برخی از جریانات مدعی سوسیالیسم و کمونیسم نه تنها به‌رویدادهای این منطقه به‌طور شایسته و بایسته توجه نکرده‌اند، بلکه گاهی نیز علیه آن قلم‌فرسائی هم کرده‌اند.

بی‌تردید همه نیروهای برابری‌طلب و آزادی‌خواه و ضدسرمایه‌داری و همه کسانی که دل‌شان همواره برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی می‌تپد وظیفه دارند که از جنبش‌های آزادی‌خواه با وجود همه کمبودها و ضعفی‌های این جنبش‌ها قاطعانه دفاع کنند.

کتاب «کوبانی؛ ادبیات و هنر مقاومت نوین»، در سال ۱۳۹۳ - ۲۰۱۵، در حالی منتشر شد که روزهای سختی را می‌گذرانیم. چرا که کوبانی در محاصره داعش تبه‌کار قرار گرفته و نفس‌ها بند آمده بود. مضافاً بر این که حکومت‌های منطقه و جهان منتظر بودند که این مدل نو پای مخالف سیستم سرمایه‌داری موجود، هر چه زودتر از صحنه تاریخ جهان محو شود. این کتاب را که با کوشش رفیق عزیزم عباس سماکار و همه نویسندگان آن و با همکاری صمیمانه آقای نعمت‌علی‌مرادی مدیر کتاب‌فروشی و نشر ارزان - استکهلم منتشر کردیم، با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد و در سطح وسیعی واقعه روژآوا را به درون افکار عمومی فارسی‌زبانان برد. بنابراین هدف اصلی از انتشار این کتاب و در قدم اول هدف همه نویسندگان آن، اشاعه همبستگی صمیمانه با پیکارگران کوبانی و روژآوا بود و در عین حال تبلیغ و ترویج اهداف و سیاست‌های پیکارگران آن منطقه!

حال با جرات و اعتماد به نفس بیشتری می‌توان گفت که جریان پرفروغ کوبانی در دهه اخیر، نه‌تنها ستیز افکار اندیشه و دفاع، و جایگاه انسان و زندگی و مرگ را به چالشی جدی کشیده و نگاهی نو را در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی پیریزی کرده، بلکه بدون شک می‌توان آن را سرمشقی جدی برای اندیشه‌های خلاق و پویا در منطقه و جهان دانست.

نقد، بازبینی، بازاندیشی و بازسازی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بخشی از جهان‌بینی حماسی، قهرمانی و واقعیت روژآوا در جهان امروز است، و این دستاوردی است ارزشمند و بی‌بدیل، اگر چه از مسیری دردناک، مشقت‌بار، پر خون و پر از خاطره‌های تلخ و شیرین گذر کرده است.

تالیف کتاب «انقلاب روژآوا»، در میان همه تحولات و وقایع مهم منطقه‌ای و جهانی، رویدادی مهم است که نویسندگان آن، مستقیماً از جزئیات تاریخ منطقه و روژآوا و کوبانی به‌مثبت رسانده‌اند. اکنون ترجمه فارسی این کتاب با قلم شیوا و روان رفیق مراد عظیمی، این تحلیل‌گر سیاسی سوسیالیست ساکن لندن و با همکاری انتشارات ارزان، در دسترس همگان قرار گرفته است.

نویسندگان کتاب انقلاب روژاوا تأکید کرده‌اند: هر کجا که ما از کنش‌گران در روژاوا راجع به بهترین نمونه همبستگی پرسش کردیم، بیش‌ترین جوابی که دریافت کردیم، این بود که «یک جنبش قوی انقلابی در کشور خودتان سازمان‌دهی کنید.» این جواب باعث شد که ما در مفهوم همبستگی تجدینظر کنیم. در تاریخ چپ کشورهای غربی، همبستگی اغلب مترادف بوده است با رابطه سوئزه- اوئزه، عامل و شیئی یا موضوع، که در این مفهوم موضوع همبستگی به رابطه شوق، اشتیاق و نیاز گرایش چپ کشورهای غربی به جنبش‌های قوی رهائی‌بخش معنا می‌دهد. ولی، این‌گونه از همبستگی، دورنمای مستعمرشدن منطقه و جنوب را به‌طور سنتی توسعه نیافته و تاریخا استثمار شده را دوباره ترسیم می‌کند. گاهی چپ‌های کشورهای غرب احساس می‌کنند که به نیازمندان «فقیر» این منطقه کمک می‌کنند، ولی، کمکی که آن‌ها ارائه می‌دهند، بزرگنمایی می‌شود. و چون انتظارات به سرانجامی نمی‌رسند در نهایت، هر دو طرف مبادله همبستگی، ناامید می‌شوند... برای گرایش‌های چپ، همبستگی با روژاوا پرسشی نه برپایه خیرخواهی، بلکه امری ضروری است. در حال حاضر، روژاوا، نه تنها نیاز به همبستگی مادی، بلکه نیاز به افراد متخصص در زمینه‌های گوناگون دارد. روژاوا به پزشک، مهندس، حقوق‌دان، کارگران فنی، مهندسی کشاورزی و انسان‌هایی که آماده‌اند خودمدیریتی دموکراتیک را سامان دهند، احتیاج دارد. کسانی که علاقمندند، نخست باید از محتوای سیاسی که پایه‌های فکری مدل روژاوا را می‌سازند، آگاهی یابند...

با در نظر داشتن سنگینی جنگ بی‌امان در سراسر سوریه و ناامنی در کل خاورمیانه، این نوع خودمدیریتی مدل جدید و نوپای روژاوا، توانسته است جذابیت خاصی را نه تنها در میان مردم روژاوا، بلکه منطقه و جهان ایجاد کند و توجه افکار عمومی مترقی جهان، به‌ویژه نیروهای چپ، آنارشیست، فمینیست، سوسیالیست، کمونیست و به‌طور کلی طیف وسیعی از نیروی ضدسرمایه‌داری را به خود جلب نماید.

این واقعه درخشان و دل‌پذیر، زمانی رخ داد که چندین دهه تئوری‌های همچون تاریخ به پایان رسیده؛ دیگر سرمایه‌داری لیبرال غالب شده؛ سوسیالیسم موجود نیز از هم پاشیده و مارکس و مارکسیسم نیز به تاریخ پیوسته‌اند، ورد زبان‌ها بود. بنابراین امیدی به‌رهائی از ستم و استثمار کاپیتالیسم وجود ندارد. دیگر نمی‌شود کاری کرد و یا نمی‌گذارند. اما به ناگهان ابرهای سیاه کنار رفتند و روزنه امیدی به‌سوی روشنایی باز شد و روژاوا سر برآورد و در ببحوه دنیای متلاطم خاورمیانه و عمکرد غیرانسانی سیستم سرمایه‌داری جهانی، عملا مردم دنیا دیدند و شنیدند که «ایجاد جهان دیگری ممکن است»!

پرسش این است که چه عواملی و چه نیروهائی سبب شده‌اند که تاکنون روژاوا با وجود همه مشکلات امنیتی، اقتصادی، جنگ و مهمتر از همه تهاجم و توطئه دایمی دولت ترکیه و دولت اقلیم کردستان عراق و غیره هنوز روی پای خود ایستاده، شکوفا شده و رشد کرده است؟ پاسخ این سؤال و بسیاری از پرسش‌های دیگر را در باره روژاوا و سوریه، با مطالعه این کتاب تحقیقی، سیاسی و تاریخی به دست خواهید آورد!

کتاب «انقلاب روژاوا»، کتابی است بسیار ارزنده و تحقیقی و خواندنی و آموزنده، به‌ویژه برای کادرها و فعالین سیاسی چپ، فمینیست، آنارشیست، کمونیست و انقلابی و ضدسرمایه‌داری.

از آن‌جا که پیروزی انسان آزاده و برابری طلب و عدالت‌جو در همه نقاط جهان، یک پیروزی جهان‌شمول برای کل بشریت است، از این‌رو، طبیعی‌ست که در همه عرصه‌ها با همبستگی جهانی نیز روبه‌رو گردد!

پس ما در عین حالی که نباید مردم رنج‌دیده، محروم و سرافراز و قهرمان روژاوا را تنها بگذاریم، باید الگوی سیاسی نوین روژاوا را با توجه به‌موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همه ویژگی‌های جامعه ایران، در این سرزمین، سازمان‌دهی کنیم! این اقدام ارزشمندترین ارج‌گذاری برای همه پیکارگران و بهیاد همه جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم است. بنابراین ساختن جهان دیگری ممکن است!

با احترام

بهرام رحمانی

خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۶ - ماه جون ۲۰۱۷